



## Investigating the dimensions of Imam Khomeini's thought for managing the Islamic world in the post-unity stage

Azra Akbari<sup>1</sup>  Qasem Zaeri<sup>2</sup>

1. MA of Muslim Social Science, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).  
E-mail: [akbari.a121@gmail.com](mailto:akbari.a121@gmail.com)  
2. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail:  
[qasem.zaeri@ut.ac.ir](mailto:qasem.zaeri@ut.ac.ir)

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

### Article history:

Received: 13 May 2023  
Received in revised form: 02 July 2023  
Accepted: 15 September 2023  
Published online: 22 November 2023

### Keywords:

Imam Khomeini, Islamic Unity, Post-Unity, Union, Islamic World, Great Islamic State

### ABSTRACT

The concept of unity emerged within the Muslim elite as a response to the encounter between Muslims and colonial modernity. Imam Khomeini, revered as one of the prominent proponents of this ideology, possesses a distinct vision for the governance of the Islamic world in the aftermath of Unification, emphasizing a progressive outlook. This essay aims to analyze and elucidate two problems pertaining to the political and social conditions that prevailed in the Islamic world following the disintegration of the Ottoman Empire. Firstly, it is imperative to explore the concept of Islamic unity as perceived by Imam Khomeini. Subsequently, an examination of the means by which this unity is anticipated to be achieved becomes essential. As a result, in the event that this union is actualized, what would be the proposed framework for its governance? The present analysis provides a comprehensive examination of the conceptual framework surrounding the establishment of an Islamic state, wherein sovereign republics serve as a model for governing the Islamic world in the aftermath of unification. This elucidation offers insights into the envisioned union, characterized by a confederal system. This study employed the documentary approach and historical analysis to collect and analyze data.

**Cite this article:** Akbari, A.; Zaeri, Q. (2023). Investigating the dimensions of Imam Khomeini's thought for managing the Islamic world in the post-unity stage. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 13(4): 63-76.  
<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.341148.1521>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.341148.1521>



## بررسی ابعاد ایده امام خمینی (ره) برای اداره جهان اسلام در مرحله پساتحاد

عذرا اکبری<sup>۱</sup> قاسم زائری<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). [akbari.a121@gmail.com](mailto:akbari.a121@gmail.com)

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. [qasem.zaeri@ut.ac.ir](mailto:qasem.zaeri@ut.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

انقلاب اسلامی ایران در میانه دو جریان سیاسی و اجتماعی غالب مارکسیسم و ناسیونالیسم در جهان اسلام به پیروزی رسید. انقلاب اسلامی از ابتدا داعیه جهانی بودن داشت و پاسخی بومی به بین‌المللی‌گرایی ناسیونالیسم در قالب سازمان ملل و بین‌المللی‌گرایی مارکسیستی بود. امام خمینی داعیه وحدت اسلامی داشت تا مسلمانان را به‌رغم تنوع فکری و فرهنگی‌شان به یکدیگر نزدیک کند و با تأکید بر مفهوم امت و راهبرد امت‌گرایی اسلامی، راهی برای اداره جهان اسلام باز کند. این مقاله به بررسی نگرش امام خمینی (ره) درباره چگونگی اداره جهان اسلام در مرحله پس از اتحاد می‌پردازد و مبانی و لوازم ایده مهم ایشان (تشکیل یک دولت بزرگ اسلامی با جمهوری‌های مستقل آزاد) را مطالعه می‌کند و درنهایت، تصویری از یک اتحادیه با سیستمی کنفدرالی را به‌دست می‌دهد. در این پژوهش به روش اسنادی و تحلیل تاریخی، به گردآوری و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

### کلیدواژه‌ها:

اتحاد اسلامی، اتحادیه، امام

خمینی (ره)، پساتحاد، جهان

اسلام، دولت بزرگ اسلامی.

استناد: اکبری، عذرا؛ زائری، قاسم. (۱۴۰۲). بررسی ابعاد ایده امام خمینی در باره اداره جهان اسلام در مرحله پساتحاد. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۳(۴): ۶۳-۷۶.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.341148.1521>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.341148.1521>

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

اندیشه‌ی وحدت، از ابتدای مواجهه‌ی مسلمانان با مدرنیته‌ی استعماری در میان نخبگان مسلمان شکل گرفت. امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مبلغان این اندیشه، از منظری آینده‌نگرانه و اجدادگرایی خاص برای اداره‌ی جهان اسلام در مرحله‌ی پس از اتحاد است. در این مقاله با درنظرگرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان اسلام پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، به بررسی و تبیین دو مسئله‌ی می‌پردازیم: ۱. اتحاد اسلامی از دیدگاه امام خمینی چیست و چگونه محقق می‌شود؟ ۲. در صورت تحقق این اتحاد، چه الگویی برای اداره‌ی آن وجود دارد. پرسش اصلی نیز این است که الگوی خاص امام خمینی برای اداره‌ی جهان اسلام در مرحله‌ی پس از اتحاد چیست. درنهایت به تبیین و بررسی ابعاد ایده‌ی تشکیل یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به‌عنوان الگوی اداره‌ی جهان اسلام در مرحله‌ی پساتحاد پرداخته می‌شود. در این تحقیق، امکانی برای تطبیق الگوی امام خمینی با شرایط کنونی جهان اسلام فراهم خواهد شد.

## ۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

در دهه‌ی اخیر، از سویی شاهد تحولاتی در جهان اسلام از جمله انقلاب مصر و حرکت‌های مردمی در بحرین و تونس بوده‌ایم و از دیگر سو شاهد ظهور پدیده‌ی داعش، جنگ عراق و سوریه هستیم که موجب دخالت‌های بیشتر استعمارگران غربی در منطقه شده است. در این میان، قدرت‌گیری مجدد طالبان نیز پدیده‌ای قابل توجه است. بررسی ابعاد انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان مهم‌ترین انقلاب در قرن اخیر و همچنین مدل نوین جمهوری اسلامی اهمیت زیادی دارد. از طرفی با توجه به موقعیت راهبردی ایران در منطقه، اتفاقات اخیر به روابط مردمی بیشتر با کشورهای درگیر بحران منجر شده است. اوج این ارتباط و اختلاط در سطح مردمی که رنگ و بوی فرهنگی دارد، در مراسم اربعین رخ می‌نمایند.

اهمیت و غنای راهکار امام برای وحدت جهان اسلام آنجا مشخص می‌شود که با توجه به عدم امکان وحدت محض و عدم پذیرش وحدت در سایه‌ی التقاط، به راهکار سوم اشاره دارد. همچنین این ایده به برقراری وحدت بین مسلمانان جهان با احتساب تمامی تفاوت‌ها و اختلافاتی که دارند، اشاره می‌کند و مانند بسیاری از راهکارها و ابداعات امام، یک ایده‌ی ناگشوده است که ابعاد و جوانب احتمالی آن کمتر بررسی شده است.

## ۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌ها و فعالیت‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است. از جمله موثقی (۱۳۹۴) در کتاب اندیشه‌ی اصلاح و راهبرد وحدت و همبستگی در جهان به بررسی مبانی و تاریخ اندیشه‌ی وحدت پرداخت. او ریشه‌ی عمیق دعوت، وحدت و همبستگی را در دین اسلام و منابع اسلامی و همچنین در سیر افکار و عملکرد مصلحان و نهضت‌های اسلامی قرون اخیر بررسی و تلاش کرد تا از منظرهای مختلف، عوامل ایجاد وحدت و تفرقه را بیان کند.

در پایان‌نامه‌ی «بررسی تطبیقی الگوی حکومت دینی در اندیشه‌ی سیاسی رهبران اخوان المسلمین مصر با اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب ایران (امام خمینی و مقام معظم رهبری)» (ورچه و فوزی، ۱۳۹۲) مدل ارائه‌شده برای حکومت دینی بین رهبران اخوان المسلمین مصر و رهبران جمهوری اسلامی ایران مقایسه و به تفاوت‌های موجود در نوع الگوی حکومت دینی، روابط بین‌الملل و نوع نگاه به تجدد و مدرنیسم پرداخته شد. مقاله‌ی وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (گلشنی، قائدی و آذین، ۱۳۹۳) به بیان چالش‌ها و آسیب‌های پیش‌روی وحدت جهان اسلام و رویکرد غرب در خصوص آن و راهکارهای تقویت وحدت بین مسلمانان پرداخت. درواقع وجه تمایز این مقاله از سایر آثار این است که رویکرد امام در خصوص وحدت را در چارچوب تاریخی مطرح می‌کند؛ بنابراین اهمیت تأثیرات جهان مدرن چون شکل‌گیری دولت-ملت‌های مستقل و به‌وجودآمدن جریان‌های ناسیونالیستی و مارکسیستی در جهان اسلام نیز درنظر گرفته شده است. مهم‌ترین ویژگی این

پژوهش، طرح عنوان «پساتحاد ذیل اندیشه وحدت‌گرای امام خمینی» است که در آن، از اتحاد کشورها فراتر رفته و به تبیین الگوی اداره این اتحاد از منظر امام خمینی پرداخته شده است.

#### ۴. چهار چوب نظری و مفهومی

سرزمین‌های امپراتوری عثمانی که شامل اکثریت قریب به اتفاق جمعیت مسلمانان می‌شد، به واسطه وجود استعمار خارجی فروپاشید و به شکل‌گیری دولت-ملت‌های مستقلی در جهان و خاورمیانه و در نتیجه پراکنده شدن امت واحد و یکپارچه اسلامی منجر شد. از این دوره به بعد، جغرافیای اسلام ماهیت معنوی پیدا کرده و امروزه اصطلاح جهان اسلام در مورد آن به کار می‌رود. وجود استعمار خارجی و تجزیه امپراتوری واحد به دولت-ملت‌های مستقل، زمینه را برای احساس نیاز به اتحاد دوباره مسلمانان و شکل‌گیری اندیشه وحدت، تحت عنوان امت‌گرایی فراهم کرد. در چنین فضایی، با در نظر گرفتن مناسبات جدید حاکم بر منطقه و جهان اندیشه وحدت‌گرایی امام خمینی مطرح می‌شود.

در مرحله اول، بررسی تفکرات ایشان حول وحدت نشان می‌دهد اتحاد دارای دو رکن اصلی است: ۱. توحید و ۲. آگاهی برای قیام و انقلاب (شامل الف) آگاهی از اسلام واقعی و ب) آگاهی از وضعیت جهان اسلام و دیگر کشورهای اسلامی که همه زیر سلطه استبداد داخلی یا استکبار جهانی قرار دارند. به عقیده ایشان، آگاهی در این دو بعد زمینه‌ساز قیام و انقلاب می‌شود. این انقلاب در واقع مسیری است که برای رسیدن به اتحاد باید طی شود. بنا به آنچه در نظرات امام حول اتحاد ذکر شده، ایشان اتحاد را در دو سطح مطرح می‌کنند: ۱. ملی؛ علیه استبداد داخلی، ۲. فراملی: بین مسلمانان جهان و فراتر از آن بین مستضعفان جهان.

در مرحله بعد، به واسطه طرح اتحاد در بعد فراملی و اشاره مستقیم به تشکیل یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل، بحثی با عنوان پساتحاد را برای نخستین بار مطرح می‌کنیم و در آن، با توجه به شرایط کنونی جهان به بررسی ابعاد و جوانب الگوی امام برای اداره جهان اسلام می‌پردازیم؛ یعنی شکل‌گیری دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل که امام راحل تنها فرصت طرح عنوان آن را داشتند. به این ترتیب ابتدا به تشریح هریک از عناصر این طرح ذیل منظومه فکری امام می‌پردازیم. به این صورت برای فهم این ایده موارد زیر مطالعه می‌شود: ۱. مبانی مشترک بین مسلمانان از دیدگاه امام خمینی، ۲. دولت اسلامی از دیدگاه امام خمینی، ۳. جمهوریت از دیدگاه امام خمینی و ۴. آزادی و استقلال از دیدگاه امام خمینی. سپس با توجه به روشن شدن ابعاد این طرح برای رسیدن به فهم دقیق‌تری از آن، لازم دیدیم تا آن را با الگوهای همگرایی که در جهان جدید تجربه شده بودند، یعنی اتحاد جماهیر شوروی و اتحادیه اروپا، مقایسه کنیم. بعد از همه این بررسی‌ها و جمع‌بندی یافته‌ها به این نتیجه رسیدیم که الگوی احتمالی مدنظر امام، دولتی بزرگ با نوعی سیستم کنفدرالی است که در آن، هریک از اعضا با وجود وابستگی به دولت مرکزی از استقلال کافی برخوردارند.

#### ۴-۱. درآمدی تاریخی بر اندیشه امام خمینی (ره)

قبل از رواج ناسیونالیسم، اکثر کشورها ذیل امپراتوری‌های بزرگ قرار داشتند و سرزمین‌های اسلامی جزء امپراتوری عثمانی که قرار داشتند. منشأ این قدرت سیاسی اسلام بود که نقطه اشتراک و اتصال افراد و سرزمین‌های اسلامی بود. در واقع اسلام به عنوان دال برتر و عامل هویت‌بخش مطرح بود (برنارد، ۱۳۸۶).

از آنجا که این قدرت، مانعی برای منافع استعمارگران بود، همواره علیه آن تلاش‌هایی صورت می‌گرفت. نتیجه این تلاش‌ها علاوه بر جنگ‌ها و فتوحات استعماری، رواج ملی‌گرایی و عقاید نژادپرستانه بین سرزمین‌های اسلامی بود و این نقطه آغاز تفرقه و جدایی بین این اجتماع به‌شمار می‌آمد.

در نتیجه این اتفاقات، حکومت مرکزی تجزیه شد و سرزمین‌های آن به عنوان دولت-ملت‌های جداگانه استقلال یافت و ساختار وحدت‌بخشی که عامل اجتماع مسلمانان ذیل یک قدرت مرکزی بود از بین رفت، اما عامل اصلی انسجام، یعنی اسلام و اعتقاد به آن، هنوز

در میان مردم زنده بود؛ بنابراین تلاش برای از بین بردن این اعتقاد هنوز ادامه داشت. بعد از تجزیه امپراتوری عثمانی، حرکت بعدی، دخالت در کشورهای تازه تأسیس بود. به این صورت که غرب با نفوذی که در این کشورها داشت، راه را برای قرارگرفتن افراد دست‌نشانده و آموزش‌دیده‌اش در رأس قدرت هموار می‌کرد و به این ترتیب اهداف سیاسی و فرهنگی خود را در این کشورها پیگیری می‌کرد. پس از این دوران، غرب به‌عنوان مخالف اصلی اسلام، در دو ساحت استکبار جهانی و استبداد داخلی بین مسلمانان حضور داشت. در چنین شرایطی جنبش‌های استقلال‌طلبانه و تلاش‌هایی برای انقلاب بین کشورهای مختلف شکل می‌گرفت که خواهان استقلال و اتمام وابستگی به غرب بودند. در این بین انقلاب ایران به‌عنوان نماینده بارز اسلام سیاسی یا بنیادگرایی اسلامی مطرح است.

در دوران پهلوی، به‌واسطه حضور استعمار در منطقه، بحران حاکمیت، مشروعیت و مشارکت مردمی بود که زمینه مناسبی را برای اسلام شیعی فراهم کرد تا به بازتفسیر و تدوین ایدئولوژی جدیدی برای اعتراض و مخالفت بپردازد (وال، ۱۳۹۱). در واقع مانند سایر مناطق جهان اسلام، ایران نیز هم‌زمان اثرات استعمار جهانی و ناسیونالیسم را تجربه کرد. از طرف دیگر نیز شاهد اوج‌گیری جریان‌های سوسیالیستی و تولد اتحاد جماهیر شوروی بود. در این شرایط، واکنش‌ها به افول مسلمانان به دو دسته تقسیم می‌شد. دسته اول بر این باور بودند که عامل اصلی افول این است که اسلام به دست روحانیان سنتی افتاده و به همین دلیل راه‌حل برون‌رفت از این عقب‌ماندگی را سکولاریزاسیون می‌دیدند. دسته دوم برخلاف دسته اول عقیده داشتند که اسلام نه‌تنها عامل مشکلات نیست، بلکه راه‌حل تمام مشکلاتی است که به‌وسیله استعمار غرب در میان مسلمانان به‌وجود آمده است. کمبود مشارکت سیاسی، تضعیف استقلال ملی و از خود بیگانگی فرهنگی به دلیل وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی دولت به غرب و ازدست‌رفتن هویت دینی و فرهنگی کشور، موجب برانگیخته‌شدن مخالفت‌های عمومی شد. به این ترتیب مسائلی مانند دین، هویت، مشارکت سیاسی و عدالت به محور اصلی اعتراضات تبدیل شد (همان).

نهضت امام خمینی در چنین فضایی و با آگاهی به این دو بعد آغاز شد. به همین دلیل تأکید امام خمینی بر اتحاد، از مهم‌ترین اهداف و ارکان این نهضت بود. ایشان از آغاز نهضت، همواره خطاب به همه مسلمانان در کشورهای مختلف، بر این نکته تأکید می‌کردند که با آگاهی‌دادن به مردم، ماهیت استبداد داخلی را آشکار کنند و برای برچیده‌شدن آن قیام کنند، حاکمیت اسلام را در سرزمین‌های خود برپا کنند و در نهایت با اتحاد همه مسلمانانی که آگاهی یافته‌اند و بر استبداد پیروز شده‌اند، علیه استکبار جهانی وارد عمل شوند.

با توجه به سابقه تاریخی اندیشه وحدت، پیش از امام خمینی نیز متفکران مسلمان دیگری به مسئله اتحاد و مواجهه با استبداد و استکبار پرداخته‌اند که از میان آن‌ها، اندیشه ابوالاعلی مودودی، متفکر پاکستانی و مؤسس حزب جماعت اسلامی پاکستان و همچنین سید قطب در مصر از نظر زمانی و محتوایی به امام نزدیک‌ترند. به این ترتیب بیان ایده آن‌ها و تفاوت راهکارشان با امام خمینی ضرورت می‌یابد. در دوران حیات فکری و سیاسی این دو متفکر، به صحنه تقابل بین اسلام با استعمار و ملی‌گرایی، مارکسیسم و سوسیالیسم نیز افزوده شد (حدوداً از دهه سوم تا هشتم قرن ۲۰ م). به همین دلیل علاوه بر مطرح‌شدن تقابل اسلام با ایدئولوژی‌های موجود، شاهد شکل‌گیری رویکردهای انقلابی به‌عنوان تنها زمینه برای پیش‌رفتن به سمت حکومت اسلامی و در نهایت اتحاد مسلمانان جهان هستیم.

مودودی قائل به لزوم تشکیل حکومت اسلامی است، اما جان کلام او در نظریه آماده‌سازی انقلاب اسلامی‌اش نهفته است. به این صورت که حکومت اسلامی بدون انقلاب اسلامی فروری‌ریزد. انقلاب و جهاد درونی و بیرونی علیه نظم کنونی جهان اسلام؛ زیرا وی اعتقاد داشت که ملوکیت، ناسیونالیسم و حزب‌گرایی دستاوردی جز تفرقه برای مسلمانان نداشته است و باید جامعه اسلامی از چنین عناصری پالایش شود. انقلاب مدنظر او همه شئون زندگی فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد و سبب می‌شود تا دین به همه شئونش بازگردد. او معتقد است قانون حاکم بر جامعه بشری، تنها قانون اسلام و الهی است و قانون بشری در آن راهی ندارد و ذیل همین نگاه، جهانی‌بودن این نهضت را ناشی از جهانی‌بودن برنامه اسلام می‌داند. راهکار او برای اتحاد ذیل تبدیل حکومت‌های جهان اسلام به نظام‌هایی بر مبنای اسلام و مشارکت مردم در انتخاب حکام مطرح می‌شود و سپس به شکل‌گیری اردوگاه مستقل ملل اسلامی اشاره می‌کند. او شکل‌گیری این اردوگاه را به مدد گروهی ممکن می‌داند که از هر نظر شایسته باشند، به اصول اسلام آگاه باشند و هدفی جز تشکیل نظام حق و اداره آن را نداشته

باشند. به عقیده او ماهیت ایدئولوژیک حکومت موجب ثبات فرهنگ یکپارچه مسلمانان می‌شود. حکومتی که بر پایه اصول اخلاقی و معنوی مشخصی و به دست گروهی از افراد، با ملیت‌های متفاوت اداره می‌شود. حکومت مدنظر او چیزی شبیه به حکومت‌های توتالیتر عصر جدید است؛ چرا که پشت این حکومت، انقلابی قرار دارد که هدف از آن ایجاد همسانی و هماهنگی بین افراد است. در واقع تفاوت راهکار مودودی با امام در همین جا است؛ چرا که امام قائل به شکل‌گیری یک حکومت مرکزی نیست، بلکه به وجود چیزی شبیه به یک اتحادیه اعتقاد دارد که ذیل آن حکومت‌های مستقل قرار دارند و صرفاً حول مشترکاتشان موظف به انجام همکاری‌ها و هم‌پیمانی‌هایی هستند.

سید قطب نیز متأثر از مودودی به طرح دوگانه دارالاسلام و دارالکفر و جامعه جاهلی در برابر جامعه اسلامی می‌پردازد و اولویت اصلی را در مبارزه و مقابله با ظلم و جاهلیت موجود می‌بیند. در اندیشه سید قطب، جهاد صرفاً به‌عنوان یک مرحله و عمل خاص مدنظر نیست، بلکه به‌عنوان دستورالعمل ساختن جامعه اسلامی در همه ابعاد آن مدنظر است (قطب، ۱۳۷۸). سید قطب غایت جهاد و مبارزه علیه جاهلیت را به‌وجود آمدن جامعه اسلامی عنوان می‌کند و معتقد است با به‌وجود آمدن و قدرت گرفتن چنین جامعه‌ای می‌توان به کمک دیگر مسلمانان که تحت ظلم و ستم جاهلیت هستند شتافت و با رهایی آن‌ها، متحدانی برای جامعه اسلامی شکل خواهد گرفت که می‌توان این اجتماع را ذیل ایده تشکیل بلوک سوم یا بلوک اسلامی، در برابر بلوک غرب و شرق، تفسیر کرد (همان). تفاوت ایده سید قطب با امام در این است که او الگوی اداره این جامعه را به بعد از شکل‌گیری آن موقوف می‌کند و معتقد است برای آینده‌ای که شرایط و جزئیاتش از قبل مشخص نیست، نمی‌توان چارچوب مشخص کرد (همان).

#### ۴-۳. مؤلفه‌های اتحاد اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

اتحاد از نظر امام دارای دو رکن اصلی است: ۱. توحید (خمینی، ۱۳۸۳)؛ ۲. آگاهی برای قیام و انقلاب که خود شامل دو نوع آگاهی می‌شود: الف) آگاهی از اسلام واقعی، ب) آگاهی از وضعیت جهان اسلام و دیگر کشورهای اسلامی که همه زیر سلطه استبداد داخلی یا استکبار جهانی قرار دارند. به عقیده ایشان آگاهی در این دو بعد زمینه‌ساز قیام و انقلاب می‌شود و انقلاب، مسیری است که برای رسیدن به اتحاد باید طی شود (خمینی، ۱۳۹۴). ایشان اتحاد را در دو سطح مطرح می‌کند: ۱. ملی: علیه استبداد داخلی، ۲. فراملی: بین مسلمانان جهان و فراتر از آن بین مستضعفان جهان (فراتی، ۱۳۸۰). در واقع ثمره اتحاد در بعد ملی در ایران، تشکیل حکومت اسلامی در قالب یک استقلال ملی بوده است، اما آنچه هنوز واقع نشده، اتحاد در سطح فراملی است که در ادامه ضمن ارائه الگوی امام برای اداره چنین اتحادی، ابعاد و جوانب آن را واکاوی می‌کنیم.

بعد از انقلاب ایران، تلاش برای اتحاد اسلامی جدی‌تر شد و جنبه عملیاتی‌تری به خود گرفت. با توجه به اینکه تا آن زمان، اکثر جنبش‌های اسلام‌گرایانه یا با شکست مواجه شده بودند یا به تشکیل حکومت منجر نشده بودند، انقلاب اسلامی ایران، تحولی عظیم را در جهان ایجاد کرد و توانست بر دیگر کشورهای اسلامی و حتی جهان سوم و آزاد تأثیر عظیمی بگذارد. از الجزایر و مصر گرفته تا کشمیر و آسیای جنوب شرقی، حرکت‌های اسلامی نشئت گرفته از انقلاب اسلامی ایران پدیدار شد. در واقع این اتفاق نوعی تجدید حیات برای اسلام بود؛ به‌نحوی که در بین مسلمانان، اسلام به‌عنوان کارآمدین شیوه مبارزه مطرح شد. سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در گفتگو با امام چنین می‌گوید: «انتفاضه بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های انقلاب شما است» (کوه‌رودی، ۱۳۸۰). انقلاب ایران در شرایطی پیروز شد که تا پیش از این، اسلام نقش چندانی در صحنه مبارزه علیه استعمار نداشت. امام خمینی در چنین شرایطی، علاوه بر تشکیل حکومت اسلامی، از مباحث مربوط به زمینه‌سازی برای اتحاد فراتر رفت و به طرح ایده‌ای برای اداره امت اسلامی در مرحله پس از اتحاد پرداخت.

با توجه به این مقدمه، در ادامه به بررسی این مسئله می‌پردازیم که اگر به‌تبع انقلاب ایران، انقلاب‌ها یا تحولات دیگری رخ دهد و بنا به توصیه امام به شکل‌گیری جمهوری‌های آزاد و مستقل اسلامی ختم شود، هدف غایی، شکل‌گیری «یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل» خواهد بود که در وصیت‌نامه ایشان به‌طور مستقیم به آن پرداخته شده است: «و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان... حکام جنایتکار را... از کشور خود برانید... و زمام امور را به دست گیرید... و به‌سوی یک دولت اسلامی با

جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۴۸).

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. اجزای الگوی امام خمینی (ره) برای اداره جهان اسلام

#### ۵-۱-۱. مبانی مشترک

عوامل وحدت‌بخش میان مسلمانان همواره ذیل توحید، قرآن و اسلام قرار می‌گیرند؛ چرا که براساس بینش توحیدی، حاکمیت، تنها از آن خداوند است و به همین دلیل نباید سلطه طاغوت را پذیرفت. در واقع وجود خدای واحد، دین واحد و دشمن واحد، زمینه اتحاد و نزدیکی ملل و دولت‌های مسلمان را فراهم می‌کند. در این مسیر تفاوت‌های مذهبی و قومی کنار گذاشته شده و صحبتی از برتری دادن به هیچ‌کدام نیست؛ در مقابل با وجود این تفاوت‌ها، صرفاً به مبانی مشترک اتکا شده است؛ به طوری که می‌توان گفت نوعی وحدت در عین کثرت مدنظر بوده است و حتی فراتر از اتحاد مسلمانان، به اتحاد مستضعفان جهان اشاره می‌کند؛ چرا که مستکبران همواره به ملت‌های ضعیف‌تر ظلم کرده‌اند؛ بنابراین علاوه بر اسلام، بازپس‌گیری این آزادی سلب‌شده و محرومیتی که مستکبران و مستعمران برای بسیاری از ملت‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان به بار آوردند، می‌تواند به‌عنوان یک هدف مشترک مطرح شود.

همان‌طور که در قرآن اشاره شده، مردم در فرقه‌ها و گروه‌های متفاوتی قرار داده شده‌اند و به تبع آن، عقاید و سلايق گوناگونی دارند که ریشه در طبیعت، جغرافیا، فرهنگ، مذهب و زبان آن‌ها دارد. به عقیده امام هیچ یک از این‌ها نمی‌تواند مانع شکل‌گیری وحدت در بین مسلمانان شود و تنها دلیل اختلاف و تفرقه، توطئه‌های سلطه‌طلبان عالم است. در صورت نزدیکی و اتحاد بین مسلمانان هیچ قدرتی توان رویارویی با آن‌ها را نخواهد داشت. اینجا است که اهمیت یکی از دلایل اصلی اتحاد، یعنی قیام در راه خدا و برای اصلاح بشر، به‌خوبی نمایان می‌شود و به این اتحاد یک بعد انقلابی می‌دهد.

با توجه به اینکه تمرکز عمده جمعیت مسلمانان جهان در خاورمیانه است، موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی، این منطقه را به محلی راهبردی تبدیل کرده است؛ زیرا در مرکز سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته و کوتاه‌ترین راه‌های هوایی و آبی اروپا و آسیا از این منطقه عبور می‌کند. همچنین منابع عمده انرژی جهان در این حوزه قرار دارد؛ بنابراین منافع و تهدیدات مشترکی ذیل آن برای همه این کشورها به‌وجود می‌آید. با این اوصاف در صورت اتحاد، پیشرفت‌ها و جبران بسیاری از مسائل و مشکلات را می‌توان ذیل اشتراکات متصور شد که به شکل‌گیری نظام و شبکه متقابل و به هم پیوسته‌ای از روابط بین آن‌ها منجر می‌شود. در این راستا امام خمینی (ره) در کنگره عظیم حج، به لزوم گردهمایی در ایام حج و بررسی اموری که به منافع و مسائل و مشکلات مشترک برمی‌گردد تأکید می‌کند (خمینی، ۱۳۹۲: ۲۳۷).

#### ۵-۱-۲. آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)

##### آزادی نفس از هوا و هوس

از نظر ایشان، کمال آدمی وابسته به آزادی از هوای نفس است. این آزادی مقدم بر آزادی سیاسی است و می‌تواند مقدمه‌ای برای رسیدن به آن باشد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۵۳۳).

##### آزادی سیاسی

آزادی سیاسی به معنای اعمال حق حاکمیت سیاسی مردمی و زمینه‌سازی برای مشارکت سیاسی مردم در جامعه و تأثیرگذاری آن‌ها بر حیات سیاسی جامعه است که قانون اساسی، تضمین‌کننده این آزادی است. محتوای حکومت توسط قانون الهی تعیین می‌شود و مردم در آن نقشی ندارند، اما ساختار آن با رأی مردم مشخص می‌شود (میراحمدی، ۱۳۷۸). به همین دلیل ایشان جمهوریت را در کنار اسلامیت به رأی مردم می‌گذارند و در واقع حق تعیین سرنوشت و آزادی در آن با رأی دادن معنا پیدا می‌کند.

### آزادی و استقلال از استبداد داخلی و استکبار و استعمار جهانی

این مسئله مشخصاً در ایجاد روحیه استکبارستیزی و انقلابی‌گری توسط امام نمود می‌یابد و ذیل آن، ابتدا بر ضرورت خروج از سلطه غیر و استبداد تأکید می‌شود که استقلال دولت‌ها و ملت‌هایشان را به دنبال دارد. ایشان همواره به این رویکرد خود جنبه فراملی می‌دادند. ایشان در جایی آزادی را به معنای ایجاد امنیت برای همه و در چارچوب قانون می‌دانند. برای رسیدن به این وضعیت، مبارزه با استبداد داخلی و رهایی از آن ضروری است (لکزایی، ۱۳۸۵). دعوت به توحید نیازمند کنارزدن ظلم است. در نظام توحیدی، انسان باید صرفاً مطیع خدا باشد و از هیچ انسانی اطاعت نکند، مگر اینکه اطاعت از او، اطاعت از خدا محسوب شود. هرگاه نظام حاکم بر جامعه افراد را به این سمت نبرد و به‌طور مستبدانه‌ای بر مردم حکومت شود، باید به مبارزه برای آزادی از آن پرداخت. در ایران و بسیاری دیگر از کشورهای مسلمان، چنین استبدادی زمینه تسلیم در برابر استعمار جهانی می‌شد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹). استعمار و استبداد، دو طرف دارد؛ مستکبران و مستضعفان. در واقع امام جهان را به دو قطب مستکبر و مستضعف تقسیم کرده‌اند و تأکید می‌کنند که آمریکا مظهر استکبار جهانی است و جرائم آشکار و پنهانی علیه ملل مستضعف مرتکب می‌شود (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷). از طرف دیگر استقلال و آزادی داخلی کشورها در نسبت با این دولت بزرگ مطرح است که علی‌رغم وجود یک حاکمیت بزرگ‌تر دارای استقلال هستند. به‌طور کلی لازمه به‌وجود آمدن چنین اتحادی، شکل‌گیری ملت‌های آزاد است. در واقع با توجه به عقاید امام، مبنای رسیدن به یک جامعه آزاد، انسان‌هایی هستند که از بند نفس خود آزاد شده‌اند که زمینه رسیدن به آزادی در ابعاد و سطوح دیگر است. به این صورت که فرد فارغ از نفسانیات، به فطرت آزاد خود بازخواهد گشت و در مراتب بعد، آزادی را در سطح اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی، حقوقی و... به ارمغان خواهد آورد.

#### ۱-۳. جمهوریت از دیدگاه امام خمینی (ره)

جمهوری بعد از قرن ۱۷ میلادی به کشور بدون پادشاه اطلاق می‌شد. برخی تعاریف بر وجود مقرراتی برای انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم دولت به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه جمهوریت تأکید دارد. بعضی دیگر از تعاریف، جمهوری را شکلی از دولت می‌دانند که در آن، دولت توسط نمایندگان منتخب مردم اداره می‌شود (کوهشاهی و فارسی، ۱۳۸۹). امام راحل همواره ساختار مدنظر خود برای برپایی یک حکومت اسلامی را جمهوری معرفی می‌کردند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۲۴۸). ایشان با افزودن قید اسلامی بر این ساختار، به مشخص کردن ماهیت حکومت مدنظرشان می‌پردازند و به‌طور مستقیم به این نکته تأکید می‌کنند که مراد از اسلامی این است که این جمهوری باید مبتنی بر یک قانون اساسی و آن هم قانون اسلام باشد (همان: ۴۷۹) و در توضیح جمهوری بر اتکاد داشتن حاکمیت به آرای مردم اشاره می‌کنند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۴۰). تعیین نظام سیاسی با آرای خود مردم خواهد بود و طرح جمهوری اسلامی به آرای عمومی گذاشته می‌شود. در نهایت از دیدگاه امام، جمهوری صرفاً قالب و سازوکاری است که ایشان با تکیه به منبع عقل و عدم تناقض آن با اسلام، آن را پذیرفته‌اند. کما اینکه پیامبر اکرم نیز در صدر اسلام همواره اصل شورا را در نظر داشتند و از نظر اکثریت استفاده می‌کردند. مصداق بارز آن را می‌توان در قضیه جنگ احد در حکومت رسول‌الله و جریان به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) مشاهده کرد که امر دینی بدون تلاش و ایفای نقش مردم تحقق پیدا نمی‌کند. در این منظومه فکری، جمهوریت در کنار اسلامیت چارچوبی برای واحدهایی است که قرار است در یک اجتماع و اتحاد وسیع‌تر کنار یکدیگر قرار بگیرند. می‌توان گفت از نظر امام، وجود چنین ساختاری با ویژگی‌هایی که ذکر شد، لازمه رسیدن به اتحاد نهایی است.

#### ۱-۴. دولت بزرگ اسلامی

راهبرد وحدت در دیدگاه ایشان با عنوان دولت بزرگ اسلامی مطرح شده است. برای مشخص شدن ماهیت این دولت و تعیین نسبت هرکدام از واحدها با آن لازم است ابتدا به بیان مفهوم دولت و بررسی معنای مدنظر ایشان از دولت بزرگ اسلامی بپردازیم. با توجه به اینکه برای دولت سازوکار و معنای مشخصی وجود دارد و امام راحل نیز این مفهوم را به‌کار برده‌اند، باید به دنبال ویژگی‌هایی مانند وجود حاکمیت، وضع قانون و اجتماع مشخص در محدوده مشخص، در حوزه این اجتماع و اتحاد باشیم.



در علم سیاست، دولت به عده‌ی مشخصی از مردم اطلاق می‌شود که در سرزمین مشخصی اسکان دارند، دارای حکومتی هستند که به وضع و اجرای قانون اقدام می‌کند و همچنین حاکمیت و قدرتی دارند که آن‌ها را از تعارضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۶). می‌توان گفت امام با قراردادن قید جمهوری‌های آزاد و مستقل بعد از دولت اسلامی، به ایجاد یک کشور بزرگ، متشکل از مجموعه‌ای از کشورهای مختلف اشاره دارند؛ در واقع چیزی شبیه به دولت‌های فدرال یا کنفدرال.

کنفدرالیسم، نظامی مدیریتی است که در آن دو یا چند کشور یا ایالت بخشی از اختیارات و قدرت خود را به یک دولت فراملی مشترک تفویض می‌کنند تا راحتی، امنیت دسته‌جمعی و کارآمدی آن‌ها افزایش یابد. در واقع دولت مرکزی قدرت را از ایالت‌ها به عاریت می‌گیرد و رابطه‌ی مستقیمی میان دولت مرکزی و شهروندان وجود ندارد. در این نظام، دولت‌ها همچنان اقتدار تام دارند و نهاد بالاتر نسبتاً ضعیف‌تر است. این نهاد فقط به صلاحدید واحدهای محلی وجود دارد و تنها می‌تواند در اموری فعالیت کند که واحدهای محلی اجازه‌ی آن را داده باشند (خانعلی‌زاده، ۱۳۹۵).

### ۵-۱-۵. اقتضائات و موانع

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، از جمله مسائلی که تکیه بر آن و دستیابی به آن در بین ملت‌های مسلمان از جمله پیش‌فرض‌های رسیدن به اتحاد محسوب می‌شود، تأکید بر مبانی اعتقادی مشترک در راستای وحدت مذاهب و ایجاد آگاهی نسبت به اسلام حقیقی از یک سو و اطلاع از وضعیت سایر مسلمانان جان از سوی دیگر است. ذیل این نکات، امام خمینی به‌طور جدی به وجود دشمن مشترک اشاره می‌کند و با توجه به حضور پررنگ استعمار در منطقه و مسئله‌ی اشغال فلسطین، همواره وجود دشمنان اسلام و لزوم مقابله با آنان را محور توصیه‌های خود در خصوص ایجاد وحدت مسلمانان جهان قرار می‌دادند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹).

از جمله راهکارهای عملی که امام در راستای حفظ منافع و اتحاد مسلمین پیشنهاد می‌کند، طرح ارتش مشترک جهان اسلام است. بنا بر این ایده، دولت‌های منطقه با پشتیبانی ملت‌ها و با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، تحت پرچم اسلام می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعی داشته باشند که بزرگ‌ترین قدرت در جهان را به‌دست آورند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸).

با توجه به اینکه غایت مدنظر ایشان فراتر از اتحاد همه‌ی مسلمانان جهان است، به اتحاد تمام مستضعفان، یعنی کسانی که در زمین به ناروا تحت ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، حول یک محور، برای رهایی از ظلم و استبداد و استکبار توصیه می‌کند. ذیل همین ایده پیشنهاد تشکیل حزب مستضعفین را طرح می‌کنند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹).

فارغ از پیشنهادهای امام راحل، در این سال‌ها اقداماتی نیز از سوی دولت‌ها صورت گرفته که می‌تواند زمینه‌ساز رسیدن به این اتحاد باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به شکل‌گیری اتحادیه‌های سیاسی و اقتصادی مانند سازمان همکاری اقتصادی و سازمان همکاری اسلامی اشاره کرد. با توجه به این نکته که شکل‌گیری یک کشور بزرگ اسلامی در واقع شکل‌گیری یک ساختار سیاسی کلان محسوب می‌شود، در نگاه اول به‌نظر می‌رسد اقدامات زمینه‌ساز برای تشکیل آن نیز در حوزه‌ی کلان و ساختاری جای می‌گیرد. اما با توجه به اینکه امام راحل سیر رسیدن به اتحاد را از پایین به بالا می‌پندارند و ریشه‌ی تحولات را ابتدا تحول در تک‌تک افراد می‌دانند، تأثیر و تأثرات فرهنگی در فضای عمومی و ارتباط بیش از پیش ملت‌ها و فرهنگ‌های مسلمان با یکدیگر نیز می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد باشد.

در حوزه‌ی سیاست نیز فضا از سمت دیپلماسی سیاسی به سمت دیپلماسی عمومی رفته (خسروی، ۱۳۹۴) و روز‌به‌روز بر اهمیت روابط عمومی و شبکه‌های ارتباطی بین مردم افزوده می‌شود؛ چنان‌که جان اسپوزیتو در کتاب آینده‌ی جهان اسلام نیز به تأثیر این قضیه در شکل‌گیری تصور مردم آمریکا از مسلمانان و نزدیکی فرهنگی مسلمانان آمریکایی و غیرمسلمانان آمریکایی اشاره می‌کند (اسپوزیتو، ۱۴۰۱). همچنین تأثیر این قضیه را می‌توان در به‌وجود آمدن شبکه‌های ارتباطی مردمی جدید و روبه‌رشد دید که بین مردم عراق و دیگر کشورها به‌واسطه‌ی پیاده‌روی اربعین شکل گرفته‌اند. در واقع چنین شبکه‌هایی شاید فارغ از اهداف سیاسی و ساختاری سیاستمداران و سردمداران دو طرف شکل گرفته باشند که بررسی تبعات و تأثیرات آن نیز در بستری مجزا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی نمی‌توان از تأثیر ارتباط مستقیم و

بی‌واسطه مسلمانان کشورهای مختلف در نزدیکی و تجانس فرهنگی چشم پوشید. چه بسا یکی از تبعات انجام اعمال حج نیز همین آشنایی و تلاقی فرهنگی بین مسلمانان است که از ارکان اصلی اسلام به‌شمار می‌رود. به این ترتیب به‌نظر می‌رسد شکل‌گیری تمهیداتی برای افزایش روابط بین مسلمانان می‌تواند از جمله اعمالی باشد که زمینه را برای به‌وجود آمدن مفاهمه و درک درست و مشترک بین مسلمانان فراهم کند. از جمله تأثیرات مهم این امر نیز شناخت و پذیرش متقابل میان فرهنگ‌های مختلف در حیطه جهان اسلام است. اهمیت این امر ذیل توجه به کثرت‌های فرهنگی و مذهبی در اندیشه امام نیز هویدا است؛ چرا که همواره به وحدت، با تکیه بر مبانی مشترک و پذیرفتن تفاوت‌های قومی و مذهبی ذیل وحدت مذاهب تأکید می‌کردند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳). با این اوصاف، ضعف آگاهی مسلمانان از فرهنگ یکدیگر می‌تواند مانعی بر سر راه اتحاد باشد؛ چرا که در صورت رویارویی مسلمانان با یکدیگر و ناآگاهی فرهنگی ممکن است ارتباطات در بستر تقریب و نزدیکی پیش نرود و اعمالی متضاد با فرهنگ یکدیگر صورت بگیرد.

اما مهم‌ترین مانع تحقق وحدت بین مسلمانان، شکل‌گیری اندیشه‌های تکفیری و فرقه‌های ضد تقریبی و بدعت‌گذار است که فعالیت‌های آن‌ها و رواج افکارشان عموماً به تحریک احساسات مسلمانان علیه یکدیگر و درنهایت جنگ‌های مذهبی منجر می‌شود؛ چنان‌که در سوریه، یمن، لبنان و عراق شاهد بودیم که ناآرامی‌ها حول جنگ‌های داخلی مذهبی شکل گرفتند و درنهایت به ورود کشورهای دیگر به آن‌ها انجامید (مختاری، ۱۳۹۹). یا اینکه در تجربه نافرجام دولت اسلامی عراق و شام شاهد این بودیم که اندیشه تکفیر نه‌تنها توان تشکیل حکومت، بلکه توانایی جذب تنوع مذهبی بین مسلمانان را ندارد.

در خصوص موانع می‌توان به موانع اقتصادی چون نبود بازار مشترک اسلامی، نبود تبلیغات و فقدان مدیریت مشترک اقتصادی در کشورهای اسلامی و ضعف بانکداری اشاره کرد که هر یک از آن‌ها باید به‌طور تخصصی و مفصل بررسی شوند و این مهم در این مقاله نمی‌گنجد (پاکده، ۱۳۸۸).

## ۵-۲. مقایسه الگوی امام برای اداره جهان اسلام با الگوهای موجود جهانی

### ۵-۲-۱. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در سال ۱۹۵۱ م. در پی معاهده جامعه زغال و فولاد اروپا تشکیل شد. هدف از تشکیل این جامعه، هم سیاسی و هم اقتصادی بود. در واقع با به‌وجود آمدن یک بازار مشترک اروپایی برای زغال سنگ، آهن و فولاد، کشورها به نحوی به یکدیگر وابسته می‌شدند که وقوع جنگ جدید میان آن‌ها متصور نبود، بلکه غیرممکن هم می‌شد. اعضای این جامعه «گروه شش» نام گرفتند و متشکل از آلمان غربی، بلژیک، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ و هلند بودند. بعد از تشکیل این اتحادیه بین گروه شش، مذاکراتی در راستای تشکیل جامعه دفاع از اروپا صورت گرفت. درنهایت در سال ۱۹۹۵ برنامه‌هایی برای تشکیل یک بازار مشترک کلی و یک جامعه انرژی اتمی اجرا شد که یک شورا، یک پارلمان و یک دادگاه داشت. این مجموعه با هم جامعه اروپا را به‌وجود آورد که اخیراً به اتحادیه اروپا تحول یافت (ویبترز، ۱۳۷۹).

گسترش اتحادیه اروپا به کشورهای حوزه جنوب اروپا اساساً سیاسی بود. با وجود اینکه دستاورد اقتصادی پیوستن این کشورها چندان قابل ملاحظه نبود، به افزایش مشروعیت آن‌ها در جامعه کمک می‌کرد و موجب تأثیرگذاری بر الگوی تجارت در منطقه می‌شد. همچنین بی‌توجهی به نیازهای کشورهای همسایه ممکن بود بعدها آن‌ها را از نظر صادرات با مشکل مواجه کند (همان). در واقع اینجا بازار، محرکی قوی برای دموکراسی به‌نظر می‌رسد؛ چنان‌که در سایت رسمی اتحادیه اروپا، ذیل استراتژی جهانی این اتحادیه، به بیان این نکته پرداخته شده که اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین بازار جهانی است و عمیقاً در بازارهای جهان ادغام شده است. سیر تحول اتحادیه از یک جامعه اقتصادی به سمت اتحادیه‌ای سیاسی بوده است. در واقع اهداف سیاسی اتحادیه به‌وسیله اقتصاد، هم در منطقه وسیعی که ذیل اتحادیه قرار دارد و هم در سراسر جهان محقق می‌شود.

سیستم مدیریتی اتحادیه اروپا براساس نوعی نظام فدرالی سازمان‌دهی شده است. نظام فدرالی اتحادیه اروپا تا حد زیادی مشابه نظام فدرالی ایالت متحده است و «در مقدمه قانون اساسی اتحادیه، بر اتحاد هرچه بیشتر برای دستیابی به هدف واحد تأکید شده است و از آن

به‌عنوان اتحاد در اختلاف یا وحدت در کثرت یاد شده است» (کدخدایی، طباطبایی‌نژاد و باقری، ۱۳۹۵). البته اتحادیه فاقد یک قانون اساسی به معنای قانونی جامع و فراگیر برای یک دولت خاص است و قوانین آن از دل مجموعه معاهداتی که از ابتدا تاکنون شکل گرفته استخراج می‌شود.

از طرف دیگر، در رابطه با اتحادیه اروپا شاهد یک دولت اروپایی واحد نیستیم؛ زیرا اتحادیه، رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و کابینه ندارد و در پی همین مسئله، مردم کشورهای عضو، هویت‌یابی قوی بر مبنای مؤلفه‌های اروپایی ندارند. در واقع اتحادیه پرچم مشخص و سرود جداگانه دارد، ولی مردم همواره به نمادهای ملی و وطنی خود، احساس وفاداری بیشتری دارند. «تنها رابطه میان شهروندان اتحادیه اروپا، همان پارلمان است که با انتخابات مستقیم تشکیل می‌شود. سایر نهادهای اتحادیه مانند کمیسیون اروپا، شورای وزیران و شورای اروپا، توسط دولت‌های کشورهای عضو برگزیده شده و از جانب آنان اختیار می‌یابند» (خانعلی‌زاده، ۱۳۹۵). اتحادیه از نظر حقوقی، دارای عنوان دولت اعم از بسیط یا مرکب نیست. در این رابطه، عناصر و مؤلفه‌هایی که اتحادیه آن‌ها را ندارد و مانع دولت شدن آن است، عبارت‌اند از: ابزار اجرای حقوق جامعه، نیروی انسانی لازم، بودجه لازم، ابزارهای اداری و نظارتی. به عبارت دیگر حتی اگر اتحادیه را دارای سرزمین واحد، مردم واحد و عرف‌های مشترک و واحد بدانیم، این سازمان فاقد حکومت واحد و مستقل است تا بتواند سیاست‌های داخلی خود را مستقلاً رقم بزند (کدخدایی، ۱۳۸۲).

## ۵-۲-۲. اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

«اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دولت واحد، متحد و کثیرالملتی است که بر پایه اصل فدرالیسم سوسیالیستی، در نتیجه حق ملل در تعیین آزادانه سرنوشت خود و اتحاد داوطلبانه جمهوری‌های شوروی سوسیالیستی متساوی‌الحقوق تشکیل شده است. اتحاد جماهیر شوروی، تجلی وحدت خلق شوروی در چارچوب یک دولت واحد است و همه اقوام کشور را برای امر مشترک ساختمان کمونیسم متحد می‌سازد» (قانون اساسی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، ۱۹۹۷: ۲۷). قانون‌گذاری و تعیین مبانی قانون‌گذاری در سراسر اتحاد جماهیر شوروی و به تبع آن اجرای سیاست‌های یکپارچه اقتصادی و اجتماعی توسط ارگان‌های دولتی مرکزی صورت می‌گیرد. (همان: ۲۹). همان‌طور که پیدا است، اتحاد جماهیر شوروی بر مبنای اصول کمونیسم و برای گسترش بیش از پیش دموکراسی سوسیالیستی پایه‌گذاری شد و مدیریت آن با اتکا به سیستم فدرالیسم صورت می‌گرفت. این اتحاد از نظر حقوقی به‌عنوان یک کشور بزرگ و با یک دولت مرکزی دارای کابینه مطرح است و قانون اساسی مختص به خود را به‌عنوان قانون تنظیم‌کننده نظام حاکم دارد. نحوه دخالت شهروندان در اداره امور به این صورت است که توانایی انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن در شوراهای نمایندگان خلق و دیگر ارگان‌های انتخابی دولتی را داشته‌اند. همچنین به شیوه‌های مختلفی مانند شرکت در برخی جلسات رسمی و محلی امکان نظارت بر امور دولت برای آن‌ها ممکن بوده است (همان: ۲۲). هریک از جمهوری‌ها قدرت دولتی مستقل دارند، اما قانون اساسی آن‌ها باید ضمن در نظر گرفتن قانون اساسی اتحادیه شکل بگیرد و با آن مطابقت داشته باشد (همان: ۳۰). هریک از این جمهوری‌ها از طریق هیئت‌رئیس و شورای عام و دیگر ارگان‌ها در مسائل مربوط به حدود صلاحیت اتحاد جماهیر شوروی شرکت می‌کنند. جمهوری متحده در مسائل مربوط به حدود صلاحیت خویش، فعالیت مؤسسات و ادارات و سازمان‌های تابع اتحاد جماهیر شوروی را هماهنگ می‌کند (همان: ۳۱). در واقع این واحدها با توجه به میزان صلاحیت و قدرتی که از جانب قدرت مرکزی به آن‌ها محول شده بود، به هماهنگی بین سازمان‌ها و ادارات داخلی خود - که وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بود - می‌پرداختند.

همان‌گونه که گفته شد، این دو نمونه با سیستم فدرال اداره می‌شوند و تفاوت‌های آن‌ها در ماهیت، اهداف و مبانی آن‌ها است. برای درک بهتر از این سیستم بهتر است به معنا و مفهوم این نوع از دولت اشاره‌ای کوتاه داشته باشیم.

فدرالیسم نوعی از دولت و حکومت است که در آن، قدرت میان واحدهای حکومتی محلی و ملی تقسیم شده است و هر دو نسبت به مردم اعمال حاکمیت می‌کنند و در برابر آن پاسخگو هستند. در نظام فدرالی هر ایالت یا کشور می‌تواند قانون اساسی مختص به خود را داشته

باشد و این قوانین نباید در تعارض با قوانین فدرال قرار گیرد. «وجود چنین قوانینی موجب می‌شود تا به تبع آن، هر ایالتی در امور مختلف و در امور گوناگون، قانون مختص به خود را داشته باشد. در غیر این صورت یعنی وجود قانون واحد، احتمال بروز تعارض بین ایالت‌ها بسیار است» (کدخدایی، طباطبایی نژاد و باقری، ۱۳۹۵).

نظام فدرالی اتحاد جماهیر شوروی بر مبنای اصول سوسیالیسم و با هدف چرخش تاریخی جامعه جهانی بشری، از سرمایه‌داری، به سوسیالیسم، پایان دادن به استثمار انسان از انسان و تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقاتی و خصومت ملی و همچنین در راستای ارتقا و گسترش دموکراسی سوسیالیستی شکل گرفته بود. در این اتحادیه استقلال و قدرت دولت مرکزی کاملاً تثبیت شده بود. اما دلیل اولیه و اصلی شکل‌گیری اتحادیه اروپا، گسترش قدرت و حوزه نفوذ به وسیله اقتصاد، برای گسترش دموکراسی و رفاه در بود. عمده قوانین و معاهدات اتحادیه حول این اهداف شکل گرفته است. مهم‌ترین تفاوت‌های اتحادیه اروپا با اتحاد جماهیر شوروی، به وجود دولت به معنای حقوقی آن برمی‌گردد. اتحادیه با اینکه با نوعی سیستم فدرال اداره می‌شود و کابینه و رئیس دارد، همان‌طور که گفته شد، فاقد شرایط لازم برای تبدیل به یک کشور و دولت واقعی است و کماکان به این هدف دست نیافته است. حتی فاقد نیروی نظامی مستقل نیز هست. شاید دلیل این مسئله، تأکید صرف بر اقتصاد و بحث تجارت جهانی به عنوان مهم‌ترین سیاست باشد.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات اخیر و با تأکید بر نظرات و سخنان امام خمینی (ره)، ابتدا به بررسی سیستم مدنظر ایشان در نسبت با موارد ذکر شده می‌پردازیم. از جمله تفاوت‌های این طرح با اتحادیه اروپا می‌توان به علت شکل‌گیری آن اشاره کرد که اولی صرفاً در راستای مقاصد اقتصادی شکل گرفته و اهداف سیاسی آن به مدد اقتصاد حاصل می‌شود؛ بنابراین بیشتر تعهداتی که بین کشورهای عضو برقرار است، مربوط به حوزه اقتصاد است که به‌طور فراگیری در نظام اقتصادی آن‌ها جاری است. اما در طرح امام، اتحاد حول مشترکات و منافع بین کشورها در حوزه‌های مختلف شکل می‌گیرد، نه صرفاً در یک حوزه خاص. از طرفی کم‌رنگ بودن دولت در اتحادیه اروپا نقطه اشتراک با طرح امام است؛ چرا که ایشان از «جمهوری‌های آزاد و مستقل» استفاده کرده‌اند؛ با این تفاوت که سیستم مدنظر ایشان با توجه به تأکیدی که بر استقلال و آزادی هریک از واحدها دارند، نظام فدرالی نیست. البته در اتحادیه اروپا، در حوزه اقتصادی، دخالت مستقیم و از بالا صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که در نظرات امام هیچ اشاره‌ای به یک قدرت مرکزی یا اعمال قدرت از بالا در هیچ حوزه‌ای برای کشورهای عضو نشده است.

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، اتحادیه اروپا حول یک منفعت اقتصادی و در سطح کلان به وجود آمده است. در واقع پیگیر هدفی است که توسط ساختار تعیین شده است. هرچند فواید آن به تک‌تک اعضای ملت‌های عضو نیز می‌رسد، این هدف بیشتر به ملت‌ها عرضه شده تا اینکه از دل آن‌ها برآمده باشد. این در حالی است که در طرح امام، با توجه به اینکه محور اتحاد اسلام است، این هدف مشترک قبل از اینکه توسط ساختار عرضه شود، در دل اعتقادات و باورهای ملت‌ها وجود دارد. در واقع مردم به‌صورت پیشینی به آن قائل هستند؛ بنابراین با وجود این مبانی مشترک بین دولت‌ها و ملت‌ها نیازی به قانون‌گذاری در چارچوب یک دولت مقتدر مرکزی نیست. به همین دلیل تفاوت‌های قومی، مذهبی و ملی به رسمیت شناخته می‌شوند و استقلال و آزادی ملت‌ها تضمین می‌شود. در واقع اتحاد حول مشترکاتی که از قبل در اسلام مطرح شده، صرفاً به‌صورت جدی‌تری در سطح بین‌المللی شکل می‌گیرد. این ویژگی طرح امام که به عاملیت ملت‌ها اشاره دارد، در نگاه اول شاید بی‌شباهت به اتحاد جماهیر شوروی به نظر نرسد؛ چرا که با توجه به مبانی انقلابی امام از یک سو و ماهیت انقلابی مارکسیسم و سوسیالیسم علیه نظام سرمایه‌داری از سوی دیگر، به نظر می‌رسد در اتحاد جماهیر شوروی نیز اهداف اصلی شکل‌گیری آن از دل ملت‌ها برآمده باشد. اما شوروی سابق با توجه به اینکه تحولات آن به واسطه رویکردهای لنینیستی رخ داد که در آن محوریت با قدرت حزب بود نه توده، مردمی بودن و عاملیت به حاشیه رفت. قدرت مرکزی در آن حزب بود و حتی رسماً در قانون اساسی آن، به فدرالیسم به‌عنوان یکی از

پایه‌های تشکیل آن اشاره شد. همین قدرت مرکزی در شوروی که در نهایت به دیکتاتوری تبدیل می‌شود، مهم‌ترین تفاوت آن با طرح مدنظر امام است. در واقع در طرح امام، اتحاد، بیشتر نوعی همکاری سازمان‌یافته در حوزه‌های مشترک همه واحدها یا کشورهای عضو است. اکنون این مسئله مطرح می‌شود که دولت مرکزی در طرح امام، تا چه حدی از قدرت برخوردار است و چگونه بر کشورهای عضو، حکومت می‌کند و رابطه جمهوری‌های آزاد و مستقل با دولت مرکزی چگونه است. در این طرح، ویژگی بارزی که برای جمهوری‌ها کاملاً مشخص است، آزادی و استقلال آن‌ها است که در کنار جمهوریت و اسلامیت به آن اشاره شده است. از طرف دیگر، امام راحل هنگامی که در رابطه با اتحاد مسلمانان و همراهی و پیوستن دیگر ملت‌ها به آن صحبت می‌کند، به این نکته تأکید می‌کند که دولت و ملت ایران صرفاً دست برادری و دوستی برای دیگر ملل مسلمان دراز می‌کند. نه حکومت و قدرت می‌خواهد و نه قصد کشورگشایی دارد، بلکه می‌خواهد ملل مسلمان پشتیبان هم باشند.

از مجموع این مسائل، یعنی استقلال و آزادی از دولت مرکزی نه به‌عنوان یک قدرت برتر یا مستقل و تفاوت با حکومت قدرت‌های بزرگ زمانه (ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی)، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که آنچه مدنظر ایشان بوده است، شکلی از اتحاد با وجود یک دولت مرکزی فراملی به‌عنوان یک نظام حکومتی است که فقط در حیطه اشتراکات جمهوری‌ها یعنی اسلام و مبارزه با استکبار جهانی، به وضع و اجرای قانون و جلوگیری از تعارضات داخلی و خارجی بپردازد. با این اوصاف می‌توان گفت بهترین و نزدیک‌ترین نظام به آن کنفدرالیسم است. آنچه مدنظر امام است، یک اتحاد گسترده و یک حکومت بزرگ فراملی، متشکل از ملت‌های مسلمانی است که بر مبنای توحید و فطرت به آزادی از غیر رسیده‌اند و جمهوری‌های آزاد و مستقلی را تشکیل داده‌اند و بر مبنای اسلام، توحید، منافع و دشمنان مشترک گرد هم آمده‌اند. نکات قابل توجه در خصوص این دولت و ساختار کلی آن، جمهوریت مدنظر در هر یک از واحدها و در نهایت محدوده آزادی و استقلال آن‌ها و نوع روابطشان با دولت مرکزی است. با توجه به عنوان دولت که در ترکیب مدنظر امام آمده است و همچنین با توجه به پیشنهادهایی که در خصوص تشکیل یک ارتش مشترک بیان کرده‌اند، مراد از این اتحاد، صرفاً یک اجتماع برای هم‌اندیشی نیست، بلکه به یک ساختار سیاسی مستقل با اقتضائات خاص اشاره دارد. به پیشنهاد ایشان، بهترین ساختار برای اداره هر یک از واحدها جمهوری است؛ جمهوریتی که با قید اسلامی همراه است و محتوای آن بر اساس اسلام تعیین می‌شود. هر یک از این واحدها علاوه بر استقلال و آزادی از استبداد و استکبار، مگر در موارد مشخص که ذیل اشتراکات مجموعه تعیین شده است، نسبت به دولت مرکزی نیز در امور خود استقلال و آزادی عمل دارند. در نهایت با توجه به مقایسه ساختارهای مشابه و موجود با مبنای مدنظر ایشان، آنچه به‌عنوان یک ساختار مشخص برای اداره چنین دولتی با ویژگی‌های ذکر شده به ذهن می‌رسد، نوعی نظام کنفدرالی است که با وجود یک دولت مرکزی، در آن استقلال واحدها حفظ شده و قدرت دولت مرکزی ودیعه‌ای است از جانب آن‌ها که بر مبنای اشتراکات و توافق‌های بین آن‌ها برای پیشبرد بهتر امور به یک نهاد بالاتر منتقل شده است.

## ۷. منابع

- اطهری، سید حسن و درودی، مسعود (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی آزادی از دیدگاه امام خمینی و شهید بهشتی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۳(۱)، ۹۱-۱۰۸.
- بیارجمندی، حسین (۱۳۸۴). مفهوم جمهوری از دیدگاه امام خمینی. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی، ۸(۱)، ۱۲۷-۱۴۶.
- پولادی، کمال (۱۳۸۲). تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از سقراط تا ماکیاوولی. تهران: مرکز.
- جمالی، حسین (۱۳۸۰). تاریخ و اصول روابط بین‌الملل. قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی.
- خانعلی‌زاده، مهدی (۱۳۹۵). چهار سناریو درباره ساختار اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰. فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، ۲(۱)، ۴۱-۴۹.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۴. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). وحدت از دیدگاه امام خمینی - تبیان. دفتر پانزدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). صحیفه نور. جلد ۳. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۳). شرح چهل حدیث. تهران: عروج.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۱۰. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۱۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۱۷. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۱۹. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۶. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۷. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۸. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۴). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۹. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد ۱۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- شاکری زاردهی، روح‌الله و مختاری، زینب (۱۳۹۴). تحلیل و بررسی نظریه و وجوب تحصیل حکومت در دوران غیبت در اندیشه امام. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۴(۴)، ۸۷-۱۰۲.
- سام آرام، عزت‌الله (۱۳۷۸). نیاز صداوسیما به تحقیق اسنادی. پژوهش‌های ارتباطی، ۱۹-۲۰.
- کدخدایی، عباسعلی، طباطبایی‌زاد، سید محمد و باقری، فرهاد (۱۳۹۵). فدرالیسم و نظام حل تعارضات قوانین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا. مجله مطالعات حقوق خصوصی، ۴۶(۳)، ۴۳۷-۴۵۴.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۰). نظریه انقلاب در اندیشه امام. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۱۴۵: ۱۶-۱۶۰.
- قانون اساسی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (۱۹۹۷). مسکو: بروگرس.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). گامی به سوی عدالت. جلد ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۲). قانون اساسی اتحادیه اروپایی. مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۲۹، ۲۵۷-۲۸۴.
- کرهرودی، حسین (۱۳۸۰). انتفاضة فلسطين، مولود اصولگرایی اسلامی معاصر. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۴، ۲۹۵-۳۰۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.
- مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۵). مشروطیت، جمهوریت، اسلامیت (مطالعه تطبیقی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و محقق نائینی در مورد نقش مردم). تهران: معناگرا.
- موسوی، سید محمود (۱۳۹۵). تحلیل روش مردم‌سالاری در حکومت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (ره). دوفصلنامه اندیشه و ولایت، ۳، ۷۵-۹۷.
- موفقی، افسانه (۱۳۷۸). تحقیق کتابخانه‌ای و مخاطبان گفت‌وگوهای رادیویی. پژوهش‌های ارتباطی، ۱۹-۲۰.
- میراحمدی، منصور (۱۳۷۸). درآمدی بر آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی، ۴(۵)، ۹۹-۱۲۰.
- میرزاده کوهشاهی، نادر و فارسی، حسن (۱۳۸۹). تجسم جمهوریت و اسلامیت نظام در قانون اساسی. فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۹، ۱۲۹-۱۵۲.
- ورعی، سید جواد (۱۳۸۵). جمهوریت و اسلامیت از دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی. حکومت اسلامی، ۱(۱)، ۶۲-۹۵.
- ویتنرز، آلن (۱۳۷۹). درس‌هایی که کشورهای درحال توسعه باید از تجربه همگرایی در اروپا بیاموزند. ترجمه سیف‌الله صادقی یارزندی و محمد زاغیان، پژوهشنامه بازرگانی، ۱۷۱-۲۰۴.